



فضای مخصوص بچه‌ها در خیابان وحدت، آرامش بخش خانواده‌ها در تجمعات شبانه است

درخت مقاومت کودکان در بوستان میر

۳



عکس: فهیمه فرخی / شهرآرا

تحقق ۹۰ درصدی درخواست‌های عمرانی

شهردار منطقه ثامن از پیگیری و اجرای ۹۰ درصدی درخواست‌های عمرانی شهروندان از سوی اکیپ فعالیت‌های عمرانی در منطقه ثامن خبر داد؛ حسین عبدا...زاده با اعلام این خبر گفت: با هدف افزایش رضایت و رفاه حال شهروندان منطقه و پاسخ‌گویی مناسب به درخواست‌های ثبت شده مردمی در سامانه ۱۳۷، پس از بررسی و بازدیدهای کارشناسی، ۹۰ درصد از این درخواست‌های عمرانی کوچک مقیاس توسط اداره فنی و عمران منطقه ثامن در منطقه اجرا شد. وی در ادامه این خبر افزود: این پروژه‌ها با اعتباری بالغ بر ۱۴ میلیارد ریال در حال اجراست؛ به همین منظور اکیپ امور راهبری ۱۳۷ در حوزه مرمت پیاده‌رو و لکه‌گیری آسفالت معابر، پاسخ‌گوی درخواست‌های شهروندی است.



جوانان خوش فکر بالاخیابان با ایده‌های هنری دیگران را به حضور در تجمعات تشویق می‌کنند
مجازات ترامپ در خیابان هاتف

اهالی محله بالاخیابان سهم خودشان را در کارهای فرهنگی زمان جنگ ادا کردند
شعارنویسی در کف میدان

جوانان خوش فکر بالاخیابان با ایده های هنری، دیگران را به حضور در تجمعات تشویق می کنند

مجازات ترامپ در خیابان هاتف



صورتش گذاشته بود، پیرزنی کلی بدوبیراه به او گفت و حساسی با عصایش او را زد.

● تجمعات، مردم را متحد کرده است

حسین قلیچ زاده یکی از بچه های پایگاه است که معمولاً اجرای نمایش با عروسک و موضوعاتی مثل طرح اعدام ترامپ را بر عهده می گیرد. حسین، تمسخر لفاظی های ترامپ در باره جنگ و مجازات عروسک او با شلاق و شمشیر و طناب را از جمله کارهایی می داند که در شب های مختلف و در نقاط متفاوت شهر انجام می دهند. حسین و دوستانش از شنیدن شعارهای ساخته شده مردم مثل «مذاکره دیگه بسه/ با این ترامپ کلیسه» و توجه و دیدن کلیپ های تجمعات ایده می گیرند و پیشنهادها ایشان را به مسئولان پایگاه ارائه می دهند؛ بعد هم با همفکری و همدلی آن ها را کامل و اجرایی می کنند.

ابوالفضل هجده سال دارد و پسرعموی حسین است. با خنده می گوید: همه این شب ها آن قدر مهربانی و همدلی بین مردم دیده ام که با خودم می گویم اگر این شب ها تمام شود، دیگر کجا می توانیم این میزان از همدلی و اتحاد را ببینیم؟

او که کلی دوستان هم فکر پیدا کرده است، ادامه می دهد: مادر این حرکت ها با بچه های دیگر محله ها آشنا شدیم و گاهی شب ها آن ها به مسجد ما می آیند تا از اینجا با هم حرکت کنیم.

می کردند که دوباره عروسک را بر سرشان بگذارند. ربانی معتقد است که ایده پردازی ها با حضور در تجمعات کامل شده است و می گوید: یک بار خودرویی را در کاروانمان دیدم که تصویر لایچر را روی شیشه اش گذاشته بود و روی شیشه پاک کنش موشک درست کرده بود که به عکس ترامپ و نتانیاهو شلیک می کرد. ما از مردم در خیابان ها و از عکس و فیلم ها ایده می گیریم و در حد توان اجرا می کنیم. علیرضا محمد پور یکی از جوانان مسجد است که خاطره کتک خوردن حمید یوسفی را با آب و تاب تعریف می کند و می گوید: حمید یکی از دوستانمان است که مثل ترامپ موهای زرد و هیکل درشتی دارد؛ یک شب که عروسک ترامپ را روی

زهراسحاقی حضور نو جوانان و جوانان در مسجد صاحب الزمان (عج) خیابان هاتف پررنگ است؛ نماز مغرب و عشا را خوانده اند و پرچم ها و وسایل صوت و ویدئویی را آماده می کنند. آن ها ایده های جدیدی برای جذب دیگران به حضور در تجمعات دارند. یکی از این ایده ها که توانسته پای تعداد زیادی از نو جوانان را به مسجد باز و تعداد زیادی از حاضران در خیابان را سرگرم کند، درست کردن عروسک هایی با طرح رئیس جمهور آمریکا است که هر شب یک نفر در محله بالاخیابان، آن را به تن می کند و مردم هر چه غیظ و غضب از دشمن دارند، بر سر او فرومی ریزند.

● خلاقیت با ایده پردازی و همفکری

ایده این کار با درست کردن عروسک توسط آمنه طباطبایی، یکی از خانم های فعال فرهنگی و بر سرگذاشتن اتفاقی آن توسط یکی از بچه ها جرقه خورد. بعد از آن حسین ربانی که از مسئولان پایگاه شهید مجید عسکری است، با کمک بچه ها و نظر خواهی از آن ها اجرای طرح نمایش نامه ای این عروسک را کامل کردند. ربانی می گوید: بچه ها گاهی داوطلبانه عروسک ترامپ را روی سرشان می گذاشتند و برای مجازات ترامپ بین مردم حاضر می شدند و گاهی جدی جدی کتک هم می خوردند اما وقتی باز هم به آن ها می گفتیم، قبول



اهالی محله بالاخیابان سهم خودشان را در کارهای فرهنگی زمان جنگ ادا کردند

شعارنویسی در کف میدان

اجازه می دهند با شابلون های کوچک، جلو مغازه شان طرح بزنیم.

● تمایل به اجرای شهری

احسان عرفانی فر، فوق دیپلم گرافیک و خطاطی است که برای اجرای این کار فرهنگی، با احمد و دوستش همکاری می کند. او که سابقه دیوار نویسی و خطاطی روی پرچم را دارد، تعریف می کند: خانه ما نزدیک حرم است. یک شب که برای پرچم گردانی به خیابان آمده بودم، احمد و پدرش را دیدم که آن ها هم پرچم ایران را در دست داشتند و همه دغدغه مشترک داشتیم. همان جا پیشنهاد کار را به او دادم.

این خطاط ادامه می دهد: به او گفتم بیا بییم در کف میدان پرچم دشمن را بکشیم و انزجار خودمان را این طور نشان دهیم. او باور دارد این انقلاب باید به سلامت به دست صاحب اصلی اش برسد تا همه جهانیان، عدل را تجربه کنند. عرفانی فر بیان می کند: دوست دارم به شرط حمایت مالی، این کار را در کل شهر اجرا کنم.

● سنگ تمام در یک شبانه روز

اما اجرای کار، ساده نبوده است. هزینه اجاره موتور برق و پمپ با د زیاد است؛ برای همین تصمیم گرفتند همه کار را در یک شب

سمیراشاهیان یک وانت سفید، حاشیه خیابان شهید شوشتری توقف کرده و پشت آن، روی زمین با رنگ آبی نوشته شده است «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل». طراحی شابلون و شعارنویسی در بالاخیابان نتیجه همکاری مشترک یک هنرمند خطاط و نو جوانان پای کار مسجد امام صادق (ع) است. برنامه شعارنویسی کف خیابان های ثامن با همکاری و حمایت معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه ثامن در تأمین هزینه هایی مانند اجاره بهای موتور برق و پمپ با د انجام شد.

● همکاری سه جانبه

احمد برادران، نو جوانی که در این سال ها تجربه کار با دستگاه برش لیزری و ابزارهایش را دارد، می گوید که او و یک نفر از دوستانش، حالا همان تجربه های پراکنده را به یک کار جمعی تبدیل کرده اند. به گفته او ایده کار را احسان عرفانی فر، هنرمند خطاط مسجد داد؛ کسی که پیشنهاد کرد اگر شابلون ها آماده باشد، می توانند در سطح محله بالاخیابان و حتی همه منطقه ثامن شعارنویسی کنند.

احمد و دوستش طراحی را بر عهده گرفتند. او توضیح می دهد: کارمان تقسیم شده، من با کامپیوتر، طراحی و با دستگاه CNC شابلون ها را برش می زنم و دوستم، امیرعلی اخلاقی، با شابلون، زمین را رنگ می زند. بعضی جاها هم مردم حمایت می کنند و



عیدگاه

جمع کنند. احمد، نو جوان ساکن محله بالاخیابان، می گوید: بعد از اینکه شابلون ها آماده شد، در یک شبانه روز، بخش زیادی از کار را پیش بردیم. جلوسرویس های بهداشتی و ورودی مساجد، طرح پرچم های آمریکا و اسرائیل و شعار را حک کردیم.

● جایزه، گردن بند ایران

غرفه ای هم مقابل مسجد امام جعفر صادق (ع) راه اندازی شده است که در باقی شب ها احمد و دوستانش آنجا فعالیت فرهنگی می کنند. آنجا یک وسیله جلب توجه می کند؛ تفنگی که با دستگاه CNC ساخته شده و با کتش، اجسام سبک را پرتاب می کند. احمد با خنده می گوید: بیشتر برای جذب بچه ها است و فردی که شیء سبک را با تفنگ به دهان ترامپ شلیک می کند.

حتی برای تشویق بیشتر، جایزه هم در نظر گرفته اند؛ گردن بندهایی به شکل نقشه ایران که دریافت کنندگان ترغیب می شوند همان جا به گردنشان ببندازند.

فضای مخصوص بچه‌ها در خیابان وحدت
آرامش بخش خانواده‌ها در تجمعات شبانه است

درخت مقاومت کودکان در بوستان میر



مهدی افتاده اجلو بوستان «میر» در محله پایین خیابان، صدای شعارها خیابان را پر کرده است. پرچم‌ها بالامی روند و پایین می آیند و جمعیت، مانند موج در امتداد خیابان وحدت حرکت می کند. نور چراغ‌ها روی صورت‌ها افتاده و دست‌ها، یکی پس از دیگری، پرچم‌ها را در هوای چرخانند. چند قدم آن طرف‌تر اما فضای دیگری مشاهده می شود؛ جایی میان درخت‌های پارک میر، کنار تاب‌ها و نیمکت‌ها، میزهای کوچکی چیده شده است و بچه‌ها دورشان نشسته‌اند. مداد رنگی‌ها پخش است، کاغذ‌ها روی میزها جا خوش کرده‌اند و صدای خنده و شیطنت، فضا را پر کرده است. یکی با دقت پرچم می کشد، یکی تانک، یکی هم چهره‌ای که هنوز کامل نشده، اما با ذوق به بقیه نشان می دهد. مادرها اما چند متر آن طرف‌تر، در دل جمعیتی که توسط متولیان مسجد حاج آخوندگردهم آمده‌اند، ایستاده‌اند. پرچم تکان می دهند، شعار می دهند و گاهی نگاهی به سمت بچه‌های اندازند. فاصله کم است و همین فاصله کوتاه، یعنی آرامش.

بازی‌های چالش برانگیز

زینب رضازاده، یکی از بانوانی که پایه اصلی این طرح بوده است و خودش چهار فرزند دارد، بازی‌ها را با همفکری فرزنداناش که از پنج تا دوازده ساله هستند، طراحی کرده است. او که از خواهرش، عاطفه نیز که مربی تربیتی است، کمک گرفته، می گوید: سعی کردیم موضوع نقاشی‌ها، رنگ آمیزی‌ها و بازی‌ها را طوری طراحی کنیم که فقط سرگرمی نباشد و ذهن بچه‌ها را هم درگیر کند. مثلاً از بچه‌های کوچک تر خواستیم برای موشک‌هایی که رنگ می کنند، اسمی انتخاب کنند و خودشان را جای دانشمندان بگذارند و کارایی موشک را تعریف کنند. آن وقت بچه‌ها به جای رنگ آمیزی چند دقیقه‌ای، ساعت‌ها روی کارشان فکر می کنند و با افتخار آن را به درختان پارک می چسبانند. وقتی بچه‌ها خودشان را جای یک طراح یا قهرمان می گذارند، جدی تر عمل می کنند. او که معتقد است کودک درون نوجوانان را هم باید با بازی سرگرم کرد، ادامه می دهد: در طراحی بازی‌ها حتی نوجوانان را هم درگیر کردیم. بازی مار و پله را طوری طراحی کردیم که در هر مرحله، سوالات چالش برانگیزی داشته باشد و موضوع‌های مختلف جنگ تحمیلی سوم را تحلیل کند. با این کار، نگاه آن‌ها به مسائل باز و ذهنشان روشن می شود. رضازاده با خنده می گوید: بچه‌ها در همه رده‌های سنی این قدر مشتاق هستند که از عصر به خانواده‌هایشان اصرار می کنند زودتر بیایند و تا آخر شب هم می مانند. حتی گاهی بچه‌هایی که در تجمعات اطراف هستند، برای استراحت به این پارک می آیند.

ایده پردازی نوجوانان در طراحی بازی‌ها

دخترهای خوش ذوق در کنار بازی، صورتشان را هم رنگ می کنند. سیده مطهره خداداد حسینی با قوطی‌های رنگ مشغول طراحی پرچم سه رنگ کشورمان روی صورت بچه‌هاست و دورش حسابی شلوغ شده است. اینجا بازی‌ها فقط برای سرگرمی نیستند؛ هر کدام حرفی برای گفتن دارند. سید علیرضا خداداد حسینی، کودک نه ساله، با جدیت، نقاشی تانکی را که کشیده، در دست گرفته است و می گوید: هر شب با دوستانم به اینجامی آیم و نقاشی‌های مقاومت می کشیم. تصویر هب شهیدمان را سه بار کشیده‌ام؛ چون خیلی دوستش دارم. سرگرمی‌های دیگری هم برای نوجوانان در نظر گرفته شده است. محمد جواد حاتمی و برادرش، محمد رضا، توپ می آورند و بعد از پرچم داری در تجمعات و پذیرایی چای از حاضران و اجرای سرود، برای استراحت می روند پشت پارک و گل کوچک بازی می کنند. تعدادی از نوجوان‌ها هم خستگی ناپذیرند و رود دست بزرگ‌ترها بلند شده‌اند، مانند محمد جواد مقدسی کلاس نهمی که برای کمک در همه کارها حاضر است.

یک جمع، با آدم‌های متفاوت

در میان جمع، تصویرهای متفاوتی دیده می شود؛ مادر شهیدی که آرام در گوشه‌ای ایستاده، همسر روشن دل شهیدی که عصای مخصوص نابینایان را تبدیل به میله پرچم کرده و آرام آن را در هوای چرخانند. کمی آن طرف‌تر، ابو ابراهیم که به همراه خانواده‌اش از سوریه به مشهد آمده‌اند، در این جمع حضور دارند. این تنوع نشان می دهد اینجا فقط یک تجمع نیست؛ یک جمع گسترده است با آدم‌هایی مختلف، اما با حال و هوایی مشترک. شب به نیمه نزدیک می شود، اما جمعیت هنوز حضور دارد. صدای خنده بچه‌ها با شعارها در هم می آمیزد و نور چراغ‌ها روی پرچم‌ها می لغزد. اینجا، خیابان فقط محل حضور نیست؛ جایی است که برای همه، سهمی در نظر گرفته شده است. یک ایده ساده، حالا به بخشی از این شب‌ها تبدیل شده؛ جایی که بچه‌ها بازی می کنند، مادرها با خیال راحت می ایستند و خیابان، زنده تر از قبل ادامه پیدا می کند. شاید مهم‌ترین تصویر این شب‌ها، همین باشد؛ مادری در خیابان، در دل جمعیت، با پرچمی در دست... و کودکی چند قدم آن طرف‌تر، مشغول بازی.

پارکی که جان گرفت

پارک «میر» حالا فقط یک فضای عبوری نیست؛ به یک باتوق شبانه تبدیل شده است. نور پروژکتورها روی میزها افتاده، صدای بچه‌ها با صدای خیابان و مداحی قاتی شده و خانواده‌ها، با خیال راحت در رفت و آمدند. حجت الاسلام والمسلمین احمد لاریجانی، امام جماعت مسجد حاج آخوند، می گوید: در ماه مبارک، برای تجمع به وحدت ۱۷ می رفتیم که بیشتر اهالی پایین خیابان در آنجا حضور داشتند. اما وقتی خانم‌های پایگاه، ایده فضای اختصاصی کودک را مطرح کردند، احساس کردیم پارک برای برنامه‌ای که داریم مناسب است؛ هم وسایل بازی دارد، هم فضا برای حضور خانواده‌ها. وسایل صوت و پروژکتورها را معاونت فرهنگی منطقه برایمان مهیا کرد و سازه و میز و صندلی‌ها را خودمان از مسجد فراهم کردیم. کمک‌های مردمی هم داشتیم و هر شب، این جمع کامل تر شده است.

پرچمداران کوچک

کمی آن طرف‌تر، چند کودک بعد از بازی، دوباره به جمع برمی گردند؛ پرچم دست می گیرند، برای پذیرایی کمک می کنند. در گوشه‌ای از فضای پارک، بچه‌ها سراغ «درخت مقاومت» هم می روند؛ درختی که به دست خودشان تزئین شده است و هر برگ از نقاشی‌هایی که روی آن‌ها چسبانده‌اند، یادآور مفهومی از ایستادگی و همدلی است. روی شاخه‌هایش، نقاشی‌هایی درباره جنگ، امید و دفاع از وطن دیده می شود و تبدیل به یکی از نمادهای محبوب بچه‌ها در این شب‌ها شده است. سید امیرعلی موسوی ده ساله یک نقاشی حماسی می کشد که مربوط به جنگ است و مرتضی عامری که کلاس چهارم است، می گوید: اینجا فقط بازی و نقاشی نیست؛ فعالیت‌های مختلف داریم، پرچم می چرخانیم، نقاشی می کشیم، چای می نوشیم، باز پرچم به دست می گیریم و آخر شب هم کمک می کنیم تا همه وسایل جمع شود. شهزاد علی مدیری با دقت مشغول کشیدن نقاشی مردی است که کودکی چند قلب به سوی او روانه می کند و می گوید: سید مجید نقطه زن را می کشم که نام فامیلش را نمی دانم؛ همان که موشک‌ها را می زند به دل اسرائیل. در دل می گویم الهی این قلب‌ها را عایشود و برسد به دست سید مجید. محمد یاسین عرفانی با لهجه مشهدی می گوید: من دارم ترامپ و نتانیاهو را می کشم که موشک می خورند. هر شب می آیم و به آن موشک می زنم و بعد می روم پرچم تکان می دهیم.

یک دغدغه، یک راه حل ساده

همه چیز از یک نگرانی شروع شد؛ بچه‌هایی که در تجمعات زود خسته می شدند، بی حوصله می شدند یا در مسیر خوابشان می برد. حوریه کسایی، فرمانده پایگاه بانوان ثامن الائمه^(ع) در مسجد حاج آخوند، می گوید: در ماه رمضان، کاروان خودرویی از مسجد حرکت می کرد و دیدیم بچه‌ها در ماشین خوابشان می برد. از شب سال تحویل، هم زمان با عید مبارک فطرا از آقایان مسجد خواستیم ما را همراهی کنند تا فضایی ثابت برای تجمع و برنامه‌های کودکان و نوجوانان داشته باشیم. زینب دهقان نیا، یکی از بانوان فعال پایگاه ثامن الائمه^(ع)، می گوید: دیدیم اگر فکری برای بچه‌ها نکنیم، هم آن‌ها اذیت می شوند، هم خانواده‌ها؛ به همین دلیل ایده‌هایی با فرمانده مطرح کردیم. چند برگه رنگ آمیزی، چند مداد رنگی و یک تصمیم ساده، شروع کار بود. شب اول تعداد کمی آمدند، حدود ۱۰ نفر، اما الان هر شب نزدیک به چهل کودک با خانواده‌هایشان در این بوستان حاضر می شوند و تا پاسی از شب می مانند. بچه‌ها خودشان دوستانشان را خبر می کنند و حتی پای خانواده‌های دیگر را هم به حضور در تجمعات باز کرده‌اند.

دهقان نیا یکی از شیوه‌های جذاب بچه‌ها را جایزه دادن می داند و می گوید: برای بچه‌هایی که پنج شب بیاید و نقاشی بکشند، جایزه در نظر گرفته ایم و به کودکان عابران هم هدیه می دهیم تا شب‌های بعد هم تشویق شوند و بیایند.





محلات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

رسم دوساله زائر مشهدی، گذراندن یک شب کامل در حرم مطهر رضوی است

آرامش «پریشان» در صحن‌ها



گنبد بارگاه



یکی از جای خانه‌ها رسیدیم و آرام همین گفت وگویی کوتاه مابه رفاقتی صمیمی تبدیل شد.
اسماء ادامه می‌دهد: آن خانم تهرانی برایم از سختی روزهای جنگ در تهران گفت: از نگرانی‌هایی که او را به این سفر کشانده بود و دل‌تنگی‌هایی که داشت. وقتی حرف می‌زد، حس می‌کردم با هر جمله‌ای که می‌گوید، سبک‌تری می‌شود. او می‌خواست جایی را که بیمارانش را در خیل می‌بندند، نشانم دهد. برایم توضیح دادم آنجا پنجره فولاد، است و مثل یک راهنما که با ذوق، کسی را هدایت می‌کند. این خانم را تا صحن انقلاب بردم. این زیارت برای هر دو ما، هم فرصت سبک شدن بود و هم شکل‌گیری رفاقتی جدید.

برمی‌گردد. از عادت زیارتش که می‌پرسم، لبخندی می‌زند: «معمولا هر بار که می‌آیم، از شب قبل در حرم می‌مانم. اولین بار، دوسال پیش بود که به پیشنهاد یکی از خدام، رفتم رواق حضرت زهرا (س) و شب را آنجا استراحت کردم. از همان موقع، کارم تبدیل به یک رسم شد. چون سرکار نمی‌روم، طوری حرم می‌آیم که شب را در اینجا بمانم. روز بعد نماز ظهر را می‌خوانم و به خانه برمی‌گردم.»

● مرور دغدغه‌ها در حرم‌گردی

اسماء، این زائر مشهدی، خاطره‌آشنایی اش با یک زائر تهرانی در حرم را با زبانی گرم می‌گوید: «راستش هر وقت مشکلی برایم پیش می‌آید، به جای اینکه بروم سراغ دوست و آشنا، می‌آیم اینجا. در صحن‌ها و رواق‌ها راه می‌روم؛ اهل یک جانشینان نیستیم. من حرم‌گردی را دوست دارم. در اینجا آرامش خاصی وجود دارد. انگار آدم خودش را پیدا می‌کند. در زیارت آخری با یک خانم آشنا شدم که روزهای سخت جنگ تحمیلی در تهران رادیده و تحمل کرده بود. باب آشنایی ما با چند سؤال درباره صحن‌ها و رواق‌ها باز شد. او از من نشانی چند صحن را پرسید. از آنجاکه خودم در حرم طاقت نشستنی ندارم و «حرم‌گردی»، رابیشتر دوست دارم، با هم شروع کردیم به قدم زدن در صحن‌ها. در حال و هوای معنوی حرم به

سمیرا شاهیان نگاهش بیش از آنکه به گنبد طلا باشد، به جایی دورتر خیره مانده است. می‌گوید این عادتش در حرم امام رضا (ع) است: با خیره شدن به نقطه‌ای، در ذهنش سر صحبت باز می‌شود؛ صحبت از دغدغه‌ها و خواسته‌هایش و وضعیت این روزهای کشورمان. درگیر خبرهای جنگ تحمیلی سوم است که بیش از چهل روز ذهن و زندگی خیلی‌ها را آرام کرده. از جنگ می‌گوید و از شهرهایی که زیر موشک باران دشمن ویران شدند.

خودش را اسماء پریشان معرفی می‌کند: متولد ۶۵ است و دیپلم مدیریت خانواده دارد. با او در صحن کوثر همراه و نیتش را برای آمدن به زیارت جویایمی بشویم.

● شبی وقوف در حرم

اسماء خانم که از محدوده آرامگاه فردوسی و از دورترین نقطه مشهد به زیارت آمده است، می‌گوید: مادر اصل مجاوریم؛ خوش به حال زائرانی که از راه دور می‌آیند و به همین دلیل شامل نگاه ویژه امام رضا (ع) می‌شوند.
حدود چهار سال است که با پدر و مادر و خواهر و برادرهایش حوالی آرامگاه فردوسی زندگی می‌کنند. اماریشه‌هایش به روستایی در باخرز

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۰۳۴۲۶۱۹۱۳ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

● نوسربازان عصر ظهور

حضور مردم در تجمعات مختلف، جلوه‌های خاصی به خیابان‌های منطقه بخشیده است. اما رژه کالسکه سواران قرن جدید، از جمله صحنه‌های باشکوهی بود که به همت مادران رقم خورد. خیابان آیت... شیرازی منطقه‌تامن در هفته گذشته، میزبان مادرانی بود که نوسربازان عصر ظهور را در کالسکه‌هایشان به حرم مطهر امام رضا (ع) آوردند تا با سومین رهبر انقلاب بیعت کنند.



● استغاثه ایران منتظر

مراسم «استغاثه ایران منتظر» و نماز استغاثه به نیت پیروزی سربازان سپاه اسلام، هر جمعه در مسجد صاحب‌الزمان (عج) و مسجد علی اکبری‌های محله بالا خیابان برگزار می‌شود. این مراسم تا پیروزی کامل حق علیه باطل در مساجد بالا خیابان ادامه خواهد داشت.



● گوش به فرمان رهبر

بانوان گروه جهادی شهید باکری در محله بالا خیابان، علاوه بر اینکه هر شب در خیابان‌ها حضور دارند، در مواقع لزوم، برای پشتیبانی گروه جمع می‌شوند و با سرعت کارهای بزرگی انجام می‌دهند. یکی از این کارها بسته‌بندی ساندویچ برای افرادی است که مسئولیت برگزاری تجمعات شبانه را بر عهده دارند و فضا را برای حضور مردم آماده می‌کنند. بانوان گروه جهادی شهید باکری با شعار «جانم فدای رهبر، در چهل‌م رهبر شهید، تعداد هزار ساندویچ برای عزاداران بسته‌بندی کردند و نشان دادند که گوش به فرمان سومین رهبر انقلاب هستند.

● اهمیت امدادرسانی در شرایط بحران

نجمه موسوی، برگزارچی دوره «شهروند آماده در زمان بحران» و برپایی کارگاه‌های کمک‌های اولیه توسط گروه دوام‌تامن باعث دلگرمی خانواده‌هایی است که می‌خواهند برای شرایط بحرانی جنگ آماده باشند. به گفته مدیر هنرستان دخترانه بصیرت در محله پایین خیابان، با وجود تعطیلی مدارس این بار کارگاه با حضور هنرجویان و خانواده‌هایشان و تعدادی از کادر آموزشی در این هنرستان برگزار شد.
حدیث کسرائی‌بان با تأکید بر لزوم برگزاری کارگاه‌های کمک‌های اولیه گفت: این دوره آموزشی با همت گروه دوام‌تامن و بانگاه کمک و نجات جان حتی یک نفر در شرایط بحران برگزار و با استقبال خوبی روبه‌رو شد.

